

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۰۴ جنوری ۲۰۱۷

پدیده "گورخوابی" در نظام جمهوری اسلامی

قدمت آسیب‌های اجتماعی، به قدمت نظام‌های زورگو و سرمایه‌داری بر می‌گردد. همواره تلاش سران نظام‌ها بر لاپوشانی حقایق تلخ درون جامعه و انحراف افکار عمومی‌ست. در حقیقت قوانین و سیاست در دنیای کنونی، بر اساس منفعت عده‌ای معدود، تنظیم و نوشته شده است و در عوض، اکثریت آحاد آن، بی‌بهره از ثروت و امکانات جامعه‌اند. تولید و باز تولید مشکلات مردم، دائمی‌ست و هر روزه، پدیده و یا موضوع تازه‌ای، به سر تیتیر خیرگزاری‌ها و ارگان‌های تبلیغی نظام‌های حاکم تبدیل می‌گردد؛ هر روزه انسان‌های نادر دیگری، حیات و هستی‌شان در معرض نابودی هر چه بیش‌تری قرار می‌گیرد و برآستی که تعریف، آمار و ارقام دقیقی، پیرامون اوضاع ناهنجار جامعه و همچنین فقر میلیون‌ها انسان در زیر سلطه نظام‌های سرمایه‌داری نیست. درد و مصائب، روبه‌ازیاد است و مردم در شرایط بسیار بغرنجی به زندگی بی‌افق‌شان ادامه می‌دهند. بی‌خانمانی و در به دری، فروش کودکان و تن و بدن آدمی و اخیراً پدیده "گورخوابان"، به شیوه رایج و معمول جهان سرمایه‌داری تبدیل گشته است، متأسفانه، جهان کنونی، در چنین مسیر ظالمانه‌ای به پیش می‌رود. جنگ، زیر و رو کردن خشت و سر پناه میلیون‌ها انسان بر سرشان، اخراج‌ها و بیکارسازی و غیره، هدیه سرمایه‌داران به طرف دیگر دنیا، و به غیر خودی‌هاست.

به طور قطع جامعه ایران هم، همسو و همدریف با جهان سرمایه‌داری‌ست و تعیین درآمدهای زیر خط فقر، و متعاقباً تنگدستی بیش از نیمی از جمعیت ایران، حکایت از آن دارد، که سران رژیم جمهوری اسلامی، بیش از این در صدد تحمیل اوضاع دهشتناک‌تر، به مردم‌اند. چرا که در ایران، نظام عدالت، و نظام توزیع برابر - مابین میلیون‌ها انسان درون جامعه - حاکم نیست، در این‌میان، نه تنها هیچ دولتی و علی‌رغم اختلافات صوری، طرف مردم نبوده و نیستند، بلکه با تمام توان، در پی سر کیسه و عمیق‌تر نمودن توده‌های ستم‌دیده و شکاف طبقاتی درون جامعه‌اند. متأسفانه اوضاع روز به روز وخیم‌تر از دوره قبل می‌شود و کسی گوشش بدهکار نیست؛ معین نیست که چه سرنوشت و یا آینده‌ای در برابر میلیون‌ها کودک، پیر و جوان قرار گرفته است. به عبارتی روشن‌تر، انسان در زیر سایه چنین سیاست‌ها و نظام‌ها، کمترین ارزشی به‌غیر سودآوری - و آن هم برای عده قلیلی از آحاد جامعه - ندارد. سازمان دادن انسان‌ها به سمت بلایا و مصائب اجتماعی همچون فحشاء، کارتن و "گور" خوابی، اعتیاد، فروش کودکان و غیره، به کار و به سیاست روزانه حکومتی‌یان و دیگر دار و دسته‌های قاچاق انسان تبدیل گشته است. سوال این است زمانی‌که خط فقر در ایران ۳ میلیون تومان اعلام می‌گردد و در عوض، حقوق کارگر زیر ۹۰۰ هزار تومان می‌باشد، و یا این‌که

بنابه گفته «سید ابوالفضل رضوی» معاون توسعه روستائی محروم نهاد ریاست جمهوری، خانواده‌ای در یکی از روستاهای کازرون "دو سال گوشت قرمز مصرف نکرده‌اند". آیا می‌توان بروز چنین اتفاقات دردناک و ناگواری همچون "گورخوابی" را غیر منتظره و ناممکن دانست؟

از یک‌طرف جهان و جامعه ایران پُر از ثروت و منابع طبیعی‌ست؛ و از طرف‌دیگر مردم به مسیر ناخواسته‌ای همچون اعتیاد و بچه‌فروشی و غیره روی می‌آورند. آن‌قدر وضعیت جامعه ایران غم‌انگیز، آن‌قدر فجایع و نداری‌ها بالاست که نمی‌توان آن‌ها را از انظار عموم و از صحنه جامعه پوشاند. آری، انسان بنابه باور سودجویان و از زمان تولد، به‌عنوان کالای سود ده به حساب آمده و می‌باید، از تن و از روحش برای انباشت بیشتر سرمایه سود جست. وجود ۱۵ هزار کارتن خواب و نزدیک به ۱۰ میلیون معتاد و بیش از ۸ میلیون کودک کار و غیره، نمایان‌گر این واقعیت است که جامعه ایران، جامعه‌ای ناامن و مریض، و جامعه‌ای مولد هزاران مصیبت و آسیب اجتماعی - پُر درآمد، برای دلالت و سودجویان - است. در بستر چنین حقایق تلخ و تأسف باری نه تنها، مناسب و بجا نیست، تا فروش کودک، روی آوری به اعتیاد و "گورخوابی" را به‌پای بی‌مبادلاتی، بی‌مسئولیتی والدین و یا در انتخاب نوع و روش زندگی قربانیان نظام‌های امپریالیستی نوشت، بلکه بایست و می‌باید به حساب ماهیت قوانین و مناسبات حاکم بر جامعه گذاشت. مضافاً و خلاف بعضی نظرات، علل اصلی این دست‌موارد، نه در برنامه‌ریزی‌های غلط دولتی، بلکه به حاکمیت اجحاف‌گرایانه سرمایه‌داری بر می‌گردد؛ دلیل آن نه در بی‌لیاقتی عده‌ای در هدایت جامعه، بلکه به افکار پلید و به زیاده خواهی‌شان مربوط می‌شود.

کارگر از تأمین هزینه‌های اولیه زندگی خویش و والدینش باز مانده است، به این دلیل که سقف حقوقش منطبق بر تورم جامعه نیست؛ کودکان از کانال باندهای قاچاق انسان به‌فروش می‌رسند، به این دلیل که حیات و اعضای بدن انسان‌ها در دنیای توحش و وحشی‌گری، سود و سرمایه به حساب آمده و می‌آید؛ هزاران روستا از امکانات ابتدائی زندگی همچون راه، آب و برق، بیمارستان و بهداشت و غیره محروم‌اند، به این دلیل که افکار طبقه حاکمه نه در خدمت به آسایش زندگی بهتر میلیون‌ها انسان دردمند، بلکه در جهت تخریب هر چه بیشتر آنان سازمان یافته است؛ کارتن خوابی در زیر سلطه سران حکومت عادی و قابل قبول است، به این دلیل که حاکمان، سقفی برای "مستضعفان" باقی نگذاشته اند؛ پُر واضح است که همه آنان به ماهیت نظام بر می‌گردد. پُر واضح است که همه نظام‌ها و دولت‌ها، بانی و مولد آسیب‌های اجتماعی‌اند و خلاف ادعاهای دولت‌های متفاوتی همچون، دولت "تدبیر و امید"، هیچ دولتی سودی برای جامعه و مردم نداشته‌اند و همچنین به اثبات رسیده است که دولت روحانی هم، پای در همان مسیری گذاشته است که دولت‌های پیشین، در پی آن بودند. بی‌جهت روحانی، فریبکارانه از حمایت مردم و از آگاه ساختن آنان پیرامون پول‌های بر باد رفته از جانب دیگر رقبایش سخن به‌میان می‌آورد؛ بی‌جهت و به دروغ خود را حامی و مدافع دمکراسی و رفع مبارزه با فساد و بی‌عدالتی‌های موجود درون جامعه معرفی می‌کند؛ بیهوده خود را بی "اطلاع" از پدیده "گورخوابی" به بیرون معرفی می‌کند!! دولتی که از زمان روی کار آمدنش، پرونده اعدام نظامش را، قطورتر نموده است، بر بی‌خانمانی‌ها و بر بیکاری‌ها افزوده، به دنباله در بسته نگه داشتن فضای سیاسی جامعه و آن‌هم به بهانه مبارزه با آن، تلاش بی‌وقفه‌ای انجام داده است و مولد "گورخوابی" صدها انسان محروم در قبرستان‌های متفاوت جامعه همچون «نصیرآباد» در حومه شهریار می‌باشد.

در حقیقت ماحصل و ارمغان دولت "امید و تدبیر" به جامعه، نزدیک به ۱۴ میلیون زیر خط فقر، ۱۱ میلیون حاشیه شهرنشین، بیش از ۵ میلیون بیکار، ۴ میلیون کودکان کار و خیابانی و ۱۰ میلیون معتاد، بیش از ۴ میلیون سوءتغذیه و می‌باشد. ابعاد فجایع و تخریب زندگی مردم و کودکان آن‌قدر بالاست که دم و دستگاه‌های متفاوت حکومتی بیش از

این، قادر به کتمان و پنهان سازی آن‌ها نیستند، به بیانی دیگر، هنوز جوهر بجهفروشی، توسط دلالان و باندهای قاچاق انسان در بیمارستان‌های دولتی و جامعه تحت هدایت سران حکومت جمهوری اسلامی خشک نشده است، که خبر دردناک دیگری همچون "گورخوابی" دردمندان و آن‌هم در اثر بی سر پناهی، به سر تیتز ارگان‌های تبلیغی نظام جمهوری اسلامی تبدیل گشته است.

آری، هر روزه، خبر تازه و شوک کننده‌ای، به روی آنتن‌ها می‌رود و جهان انسانی را در غم و ماتم فرو می‌برد. دهها انسان به‌جای زندگی در کنار زندگان، به قبرستان‌ها و به زندگی در کنار مردگان روی می‌آورند تا حاکمان زنده، با آرامش تمام و آن‌هم در خانه‌های مجلل‌شان ادامه حیات دهند. مشکل در انتخاب نوع زندگی "گورخوابان" نیست، بلکه در بی‌حقوقی‌شان و در نداری‌شان مربوط می‌باشد و آشکار است که لاپوشانی و "بی اطلاع"ی از چنین اوضاع دردناکی از جانب سران و نهادهای وابسته بدانان، و مضافاً حمله و ضرب و شتم "سد معبران"، و "گورخوابان" از جانب ارگان‌های سرکوبگر نظام وابسته جمهوری اسلامی نمی‌تواند امر عجیب و غریبی باشد. به طور نمونه چند روز قبل بود که یکی از مسؤولان حکومتی - دولتی در پاسخ به سؤال‌های خبرنگار مجله «روبه‌رو» درباره خرید و فروش کودکان گفت که؛ «ما هیچ اطلاعی نداریم. اگر هم اطلاعاتی وجود داشته باشد محرمانه است. نباید به این موضوع دامن زد. بهتر است اگر چنین مشکلی هم وجود دارد، در خفا حل شود...». و یا این که روحانی طی سخنانی پیرامون وجود "گورخوابان" اعلام می‌کند: «من نامه یکی از هنرمندان را که دیروز برای من نوشته بود و دردناک هم بود، دیدم. خوانده بودیم و دیدیم که مردم از فقر به کارتون خوابی روی می‌آورند ولی قبرخوابی را ندیده بودیم که فقیری به خاطر فقرش در قبر زندگی کند. ای نکه آن فرد آسیب دیده برای نجات از سرما به قبر روی آورد. این هنرمند برای من نوشته بود که وقتی خواندم و دیدم بغض در گلویم و شرمساری در سیمایم پدید آمد. سر دولت "امید و اعتدال" در ادامه می‌گوید: «این که فردی خودش را برای این که شب را به صبح بیاورد، خودش را در گور می‌کند و آنجا زندگی کند این قابل تأمل نه برای دولت و نه مردم است چطور باید این مشکلات را حل بکنیم. برادران، خواهران، همه باید یکپارچه شویم.»

شوربختانه بساط ناهنجاری‌های اجتماعی و زندگی، این روزها در ابعادی بسیار بغرنج‌تر و تازه‌تری عرض اندام می‌کند، در این مابین، یکی در صدد پنهان‌سازی و "محرمانه" بودن آن‌هاست و دیگری "بی خبر" و "بی اطلاع" از معضلات دست‌سازش می‌باشد، یکی بساط دست‌فروشان را در هم می‌ریزد و دیگری با زور و چماق به جمع آوری "گورخوابان" می‌پردازد، تا چهره حقیقی و "زیبائی" شهرها، را پنهان و آسیب‌های اجتماعی را از اذهان انظار عمومی پاک کند!! البته ناگفته نماند که، پنهان‌سازی و "بی اطلاع"ی و همچنین تعرض به قربانیان نظام‌های امپریالیستی، از زمره شیوه و روش رایج سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، نهادها و عناصر وابسته بدانان می‌باشد. نزدیک به ۴۰ سال است که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در کنار استثمار کارگران و زحمت‌کشان، سیاست سرکوب و ضرب و شتم قربانیان نظام را در پیش گرفته‌اند و همواره و همواره، - و آن‌هم به بهانه‌های واهی -، به بساط دست‌فروشان و دکهداران یورش می‌برند تا حقایق در پس پرده شهرهای مملو از درد و رنج مردمی، را به گونه‌ای دیگر به جامعه و به مردم قالب کنند. اما و علی‌رغم تلاش‌های تداوم‌دار و انحرافی، آن‌قدر، گند و کثافت این نظام زیاد و بالاست که بوی آن‌ها، فضاء و چهره شهرها، خیابان‌ها و قبرستان‌ها را "آلوده" و همچنین مشام‌ها را می‌آزاراند. چرا که این نظام وظیفه‌اش رفع صدها معضل دست‌سازش نیست؛ برای این‌که نیامده است تا زندگی آرامی را برای سازندگان اصلی آن فراهم کند. روی آوری روزانه انسان‌ها به مواد مخدر، گسترش تن و کودک فروشی و دهها معضل دیگر، مبین این واقعیت است که دولت جمهوری اسلامی علی‌رغم شعارهای پُر طمطراق، کار و باری به‌غیر از سمت و سو دادن مسیر

زندگی محرومان به‌کام مرگ ندارد. سران حکومت بیش از اندازه به مردم و به جامعه بدهکاراند و در حقیقت شرمساری نظام، در حیات و در تعرض به معیشت ابتدائی حقوق میلیون‌ها انسان محروم است. زمانی که فاطمه دانشور، رئیس کمیسیون اجتماعی شورای شهر تهران و مدیریت مرکز خیریه مهرآفرین در مجله «روبه رو» و در گزارش خود از: "... خانم‌های کارتن‌خواب به هنگام زایمان در برخی از بیمارستان‌های جنوب و مرکز شهر و پس از به دنیا آمدن نوزاد با دریافت ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان بچه خود را می‌فروشدند" و یا این‌که از "مکان‌هایی همچون «پاتوق» - یعنی محلی که زنان و مردان بدون علقه فامیلی یا شرعی کنار هم زندگی می‌کنند" -، می‌نویسد، آیا نمی‌بایست و نباید، آن‌ها را به حساب نمونه‌ای هر چند کوچک، از خرابه و یا در حقیقت خرواری از معضلات و مشکلاتی گذاشت که نظام جمهوری اسلامی در برابر انسان‌های بی‌پناه و فاقد امکانات اولیه قرار داده است.

بدیهی‌ست که این نظام، روحانی و دیگر دولت‌ها، نهادها و ارگان‌های وابسته بدانان، از وجود کارتن‌خواب‌ها، کودکان کار و خیابانی، زنان بی سر پناه و آن‌هم در خیابان‌های ناامن ایران مطلع بوده‌اند، اما و در عوض، کمترین گام عملی برای رفع آن‌ها بر نداشته‌اند؛ بدیهی‌ست که مردم به دلیل نداری و از سر ناچاری و بی سرپناهی، به خیابان‌ها و قبرستان‌ها پناه می‌برند تا با انبانی از غم و درد، شب را به صبح برسانند، به یقین علت اصلی همه دشواری‌ها و نارسائی‌های زندگی میلیون‌ها انسان، در وجود نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله نظام جمهوری اسلامی‌ست، رفع آن‌ها هم، در به زیر کشیدن و در نابودی سلطه سرمایه‌داران است. تا زمانی‌که نظام جمهوری اسلامی، عناصر و دیگر دار و دسته‌های‌شان بر سر کاراند، آسیب‌ها و پدیده‌های اجتماعی همچون کارتن‌خوابی، فحشاء، کودک‌فروشی و "گورخوابی"، تولید و باز تولید خواهند شد و اوضاع به مراتب وخیم‌تر و دردناک‌تری در مقابل قربانیان نظام امپریالیستی قرار خواهد گرفت. علاج کار، در برقراری نظام مدافع تقسیم ثروت برابر، مابین انسان‌های درون جامعه می‌باشد، تنها در چنین نظام‌ها و سیستم‌هایی‌ست که جامعه از کودکان کار خیابانی، فحشاء، مواد مخدر و "گورخوابی" به دور خواهد شد.

۳ جنوری ۲۰۱۷

۱۴ دی [جدی] ۱۳۹۵